

نقش معاد در امیدواری

حجت‌الاسلام والمسلمین علی خادمی*

مقدمه

برخی موضوعات مانند اثبات وجود خدا، به اندازه‌ای واضح و ملموس هستند که نیازی به اثبات ندارند و منکران آنها باید دلیلی برای انکارشان بیاورند. نقش امید و امیدواری در حیات انسان نیز از این دست مسائل است. از این رو داشتن آرزو نه تنها مذموم و ناپسند نیست؛ بلکه لازمه زندگی بشر است؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ فرموده است: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةٌ وَلَدَهَا وَ لَا عَرَسَ غَارِشُ شَجَرًا»^۱ داشتن آرزو، رحمتی برای امت من است و اگر آرزو نبود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌کاشت».

گر نبودی میل و امید ثمر
کی نشاندی باغبان بیخ شجر^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرموده است: «الْأَمَلُ رَفِيقٌ مُؤْتِسٌّ؛ آرزو، رفیق و مأنوس انسان است».^۳ خداوند موضوع حیاتی را به صورت غریزی در نهان همگان قرار داده است، اما با توجه به تضعیف آن در طول زندگی، لازم است به فکر تقویت آن باشیم و از هر چیزی که بتواند در این مسیر به ما کمک کند، بهره بگیریم. یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین کمک‌ها در «معادباوری و باور عمیق به رستاخیز» نهفته است و باید با تأمل و اندیشه در حقیقت معاد، نقش آن در تقویت امید را پیدا کرده و به عنوان «یک مُسکِّن واقعی و دائمی و بدون ضرر» از آن کمک بگیریم. نوشتار پیش‌رو قصد دارد معادباوری را از چهار زاویه که سبب تقویت امید و امیدواری می‌شود را معرفی کند.

* دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

۱. حسین بن محمد دیلمی؛ أعلام الدین؛ ص ۲۹۵.

۲. سایت گنجور؛ مثنوی معنوی؛ دفتر چهارم، بخش ۲۰.

<https://ganjoor.net/moulavi/masnavi/daftar4/sh20>

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ غررالحکم و دررالکلم؛ ص ۵۶.

الف. جاودانه‌گرایی

نخستین گام در بهره‌گیری از معاد برای تقویت امید، آن است که مرگ را فنا و نابودی ندانیم؛ بلکه آن را پلی بدانیم که ما را دنیا به آخرت انتقال می‌دهد. قرآن حقیقت مرگ را این‌چنین به تصویر کشیده است: «نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَ نُنشِئْكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۱ ما در میان شما مرگ را مقدر ساختیم و هرگز کسی بر ما پیشی نمی‌گیرد تا گروهی را به جای گروه دیگری بیاوریم و شما را در جهانی که نمی‌دانید، آفرینش تازه‌ای بخشیم». بنابراین هدف ما از میراندن شما، انتقال از عالمی به عالمی دیگر است.

نقل شده است که امام هادی علیه‌السلام به عیادت یکی از یارانش رفت و مشاهده کرد که از ترس مرگ، بی‌تابی می‌کند. حضرت به او فرمود: «ای بنده خدا، تو از مرگ می‌ترسی، به خاطر آنکه حقیقت مرگ را نمی‌شناسی. آیا هرگاه بدنت را چرک و کثافت فرا گیرد و از شدت کثافت و چرکی که بر توست، آزرده شوی و به بیماری‌های پوستی مبتلا شوی و بدانی که شستشو در گرمابه همه آنها را بر طرف می‌کند، به آنجا نمی‌روی تا خودت را از آن آلودگی‌ها پاک کنی؟ یا اینکه (دوست داری) به گرمابه نروی تا آن کثافت‌ها بر بدنت باقی بمانند؟». آن شخص عرض کرد: «آری، ای فرزند پیامبر خدا (دوست دارم خود را پاک گردانم)». حضرت فرمود:

فَدَاكَ الْمَوْتُ هُوَ ذَلِكَ الْحَقَامُ وَ هُوَ آخِرُ مَا بَقِيَ عَلَيْكَ مِنْ تَمَحِصِ دُنُوبِكَ وَ تَنْقِيتِكَ مِنْ سَيِّئَاتِكَ فَإِذَا أَنْتَ وَرَدْتَ عَلَيْهِ وَ جَاوَزْتَهُ فَقَدْ نَجَوْتَ مِنْ كُلِّ عَمٍّ وَ هَمٍّ وَ أَدَىٍّ وَ وَصَلْتَ إِلَىٰ كُلِّ سُورٍ وَ فَرَحٍ؛ پس مرگ نقش همان گرمابه را دارد و آن، آخرین چیزی است که از غریبال‌کردن گناهان و پاکیزه ساختن تو برایت مانده؛ پس چون به آن رسیدی و از آن گذر کردی، از هر غصه و اندوه و آزاری رسته‌ای و به همه خوشی‌ها و شادکامی‌ها رسیده‌ای.

آن مرد بر اثر موعظه امام هادی علیه‌السلام آرام شد و با شادمانی و آسودگی، چشم خود را بر دنیا بست و جان داد.^۲

یکی از مهم‌ترین راهکارهای دستیابی به آرامش و افزایش امیدواری، نگرش مثبت به مرگ و معاد است. باید به جای نگاه منفی به مرگ، نگرش مثبت را جایگزین کنیم و مانند فرمایش امام هادی علیه‌السلام، آن را وسیله تطهیر، و یا آن را قرار ملاقات با خالق مهربان بدانیم: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»^۳ و از خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به

۱. واقعه: ۶۰ و ۶۱.

۲. محمد بن علی صدوق؛ معانی الأخبار؛ ص ۲۹۰.

۳. بقره: ۲۲۳.

مؤمنان، بشارت بده». مؤمنان، مرگ را به عنوان «مقصد زندگی دنیوی و آغاز زندگانی اُخروی» می‌بینند و میوه امیدواری را نیز از این نگرش خود می‌چینند.

مرگ اگر مرد است آید پیش من
تا کشم خوش در کنارش تنگ تنگ
من از او جانی برم بی‌رنگ و بو
او ز من دل‌قی ستاند رنگ رنگ^۱

معادباوری، یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌ها و آرزوهای بشر یعنی حب بقا و پایدار بودن را تضمین و او را از درد «پوچ‌انگاری عالم خلقت» رها می‌کند. این کارکرد اعتقاد به معاد، از دست هیچ عامل دیگری بر نمی‌آید و تنها از درخت «باورداشت قیامت» می‌روید. «پروفیسور یونگ» که از اساتید معروف روانکاوی غرب و شاگرد «فروید» بود، در این باره می‌گوید:

دو سوم بیمارانی که از سراسر جهان به من مراجعه کرده‌اند، افراد تحصیل کرده و موفقی هستند (و مشکل روحی‌شان به خاطر نداشتن شغل مناسب یا پول نیست؛ بلکه) دردی بزرگ، یعنی پوچی و نامفهومی و بی‌معنا بودن زندگی آنها را رنج می‌دهد. مطلب آن است که بر اثر تکنولوژی و جمود تعالیم و کوله نظری و تعصب، بشر قرن بیستم «لامذهب» است و سرگشته در جست‌وجوی روح خود می‌باشد و تا مذهبی نیابد، آسایش ندارد و بی‌مذهبی، پوچی و بی‌معنا بودن زندگی را در پی دارد.^۲

ب. اعتدال‌بخشی

داشتن آرزو نه تنها ناپسند نیست؛ بلکه لازمه زندگی بشر است، اما اگر از حد معقول تجاوز کرد، آثار زیانباری به دنبال خواهد داشت و به همین جهت در روایات از «طول الأمل» نهی شده است. آرزوهای طولانی، یعنی خواسته‌هایی که با واقعیت زندگی انسان همخوانی ندارد؛ مانند داشتن هواپیمای شخصی برای یک کارگر یا کارمند، یا رسیدن به مقام انبیای الهی. آرزوی دستیابی به خواسته‌های مادی یا معنوی‌ای که امکان رسیدن به آنها وجود ندارد، منجر به ناکامی و افسردگی انسان می‌شود. ولی معادباوری، ریشه این گونه ناکامی‌ها را می‌سوزاند و در واقع، از بروز چنین آرزوها و ناکامی‌هایی پیشگیری می‌کند. از این رو یکی از توصیف‌هایی که امیرمؤمنان علیه السلام از مرگ کردند، «قَاتِعُ الْأُمْنِيَّاتِ» است؛^۳ یعنی یاد مرگ، قطع‌کننده آرزوهای

۱. سایت گنجور؛ مثنوی معنوی؛ غزلیات، غزل ۱۳۲۶.

۲. ناصر مکارم شیرازی و همکاران؛ پیام قرآن؛ ج ۵، ص ۳۲۹.

۳. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ خطبه ۹۹.

نامعقول است. در دیوان شعری که منسوب به آن حضرت است، همین اثر برای اعتقاد به مرگ و رستاخیز ذکر شده است:

يَا مَنْ بِدُنْيَاہِ اشْتَعَلَ
قَدْ غَرَّهٗ طُولُ الْأَمَلِ
الْمَوْتُ يَأْتِي بَعْتَةً
وَالْقَبْرُ صُنْدُوقُ الْعَمَلِ^۱

ای کسی که سرگرم دنیایی و آرزوهای دراز تو را فریفته، بدان که مرگ ناگهان فرا می‌رسد و قبر نگهدارنده اعمال توست.

یاد معاد و اعتقاد به رستاخیز، روح حیوانی انسان را تعدیل و هوس‌های کاذب را مهار، و روح انسانی را تقویت می‌کند.

ج. افزایش آستانه تحمل

افزایش آستانه تحمل و بردباری در زندگی، یکی دیگر از زوایای امیدافزایی معادباوری است. زندگی در دنیا به شکلی محسوس و غیرقابل انکار، آمیخته با مشکلات و گرفتاری‌هاست. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: «انسان چه زمانی راحتی را پیدا می‌کند؟». حضرت پاسخ داد: «عِنْدَ أَوَّلِ يَوْمٍ يَصِيرُ فِي الْجَنَّةِ»^۲ روزی که در بهشت قرار می‌گیرد؛ یعنی در دنیا به دنبال راحتی مطلق نباش و در بهشت به آن خواهی رسید: «فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَ تَلذُّ الْأَعْيُنُ وَ أَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»^۳ و در آن [بهشت] آنچه دل‌ها می‌خواهد و چشم‌ها از آن لذت می‌برد، موجود است و شما همیشه در آن خواهید ماند».

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید:

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر فاطمه زهرا علیها السلام وارد شد و دید که دختر عزیزش، خود را به وسیله لباسی کهنه پوشانده است و مشغول آسیاب کردن گندم می‌باشد و همزمان، فرزند شیرخوارش را نیز در دامانش شیر می‌دهد. حضرت از دیدن سختی زندگی دخترش گریان شد، ولی خطاب به ایشان فرمود: دخترم، تلخی‌های دنیا زودگذر است و لذت‌های آخرت، پایدار». فاطمه زهرا علیها السلام نیز اظهار داشت: «من خداوند را بر نعمت‌هایش شکر می‌گوییم و در تمام حالات، حق او را پاس می‌دارم». در همین لحظه بود که خداوند متعال این آیه

۱. حسین بن معین‌الدین میبیدی؛ دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام؛ ص ۳۱۲.

۲. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۳۷۰.

۳. زخرف: ۷۱.

شریفه قرآن را بر حضرت رسول ﷺ نازل کرد: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ»^۱ و به زودی پروردگارت به تو چندان عطا کند تا راضی شوی»^۲.

۱. مرگ عزیزان

یکی از مشکلات سخت زندگی هر انسانی، از دست دادن نزدیکانش است. انسانی که معتقد به معاد نباشد، در چنین شرایطی زندگی برایش تیره و تار می‌شود تا جایی که ممکن است دست به خودکشی نیز بزند، اما مؤمن معادباور، با اعتقاد به اینکه آن عزیز از دست رفته در میهمانی خداوند به سر می‌برد، آرام می‌گیرد. همچنین وقتی از پاداش‌های الهی درباره صبر بر مرگ عزیزان خبردار می‌شود، آرام می‌گیرد. امام حسین علیه السلام در روز عاشورا، از معادباوری حضرت زینب کبری علیها السلام برای آرام کردن ایشان استفاده کرد و بی‌تابی آن حضرت را این‌گونه آرام کرد: «یا أُخْتِی، اَعْلَمِی اِنَّ اَهْلَ السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ یَمُوتُوْنَ وَ کُلُّ شَیْءٍ هَالِکٌ اِلَّا وَجْهَهُ»^۳؛ خواهرم، بدان که همه زمینیان می‌میرند. آسمانیان نیز نمی‌مانند. هر چیزی جز وجه خدا که آفریدگار هستی است، از بین رفتنی است».

شهید ثانی رحمته الله علیه در ابتدای زندگی، همه فرزندان در طفولیت از دنیا می‌رفتند و هر از گاهی به داغ جدیدی مبتلا می‌شد؛ از این رو تصمیم گرفت برای آرامش دل خود و دیگرانی که چنین مشکلاتی برایشان پیش می‌آید، کتابی بنویسد و اجر و پاداش‌هایی را که خداوند در قیامت در برابر بردباری نسبت به این مصیبت به انسان می‌دهد، گردآوری نماید. کتابش را *مُسْکَنُ الْفُؤَادِ عِنْدَ فَقْدِ الْاَحْبَةِ وَ الْاَوْلَادِ* (آرامش‌دهنده قلب در فقدان عزیزان و اولاد) نام نهاد و احادیث و داستان‌های زیبایی را در آن نوشت. آخرین مطلب ارزشمندی که در آن کتاب نقل شده است، نامه مفصلی است که امام صادق علیه السلام به عنوان تسلیت به عموزاده خود جناب عبدالله محض نوشت. عبدالله محض، نوه امام مجتبی علیه السلام است که همراه فرزندان در مبارزه با حکومت عباسیان مشکلات زیادی از شهادت تا زندان را متحمل شد. امام صادق علیه السلام در این نامه سه صفحه‌ای، ۱۴ آیه قرآن و نیز روایات متعددی را برای آرامش آنها یادآور شد. امام علیه السلام در این نامه نوشت:

ای عموزاده، اگر از طرف دشمنان به تو و اهل بیت مصیبت وارد شده است و به شما ظلم

۱. ضحی: ۵.

۲. عبیدالله بن عبدالله حسکانی؛ شواهد التنزیل؛ ج ۲، ص ۴۴۵.

۳. جعفر بن محمد ابن نما حلی؛ مشیر الأخزان؛ ص ۴۹.

روا داشته‌اند، بدان که تو تنها نیستی که محزون و افسرده‌دل شده‌ای؛ بلکه بر من نیز ناراحتی و مصیبت جانسوز مانند تو وارد شده است، ولی به آنچه که خداوند دستور داده و بدین وسیله متقین را دلداری داده و به صبر و استقامت در برابر مصیبت‌ها و مشکلات امر نموده است، مراجعه کردم؛ آنجا که خداوند به پیغمبرش می‌گوید: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ؛^۱ ای پیغمبر ما، تو بر انکار و آزارشان برای حکم خدای خود صبر کن و مانند یونس مباش که از خشم در عذاب امت تعجیل کرد». همچنین فرمود: «إِنَّمَا يُؤَفِّقِي الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛^۲ همانا خداوند صابران را به حد کمال و بدون حساب پاداش خواهد داد». اگر این چنین نبود هرگز حضرت زکریا علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام بر اثر توطئه ناپاکان بنی اسرائیل کشته نمی‌شدند [و سر حضرت یحیی علیه السلام برای یکی از زن‌های نابکار بنی اسرائیل به هدیه برده نمی‌شد]. اگر چنین نبود هرگز جدت علی بن ابیطالب علیه السلام به خاطر قیام به امر خدا مظلومانه کشته نمی‌شد. همچنین عمویت حسین پسر فاطمه علیه السلام مغلوب نمی‌شد و به وضع دلخراشی مظلوم‌وار کشته نمی‌شد. اگر نه این بود، هرگز در حدیث وارد نمی‌شد: «لَوْ لَا أَنَّ يَحْزَنَ الْمُؤْمِنُ لَجَعَلْتُ لِلْكَافِرِ عَصَابَةً مِنْ حَدِيدٍ فَلَا يَتَصَدَّعُ رَأْسُهُ أَبَدًا؛ اگر مؤمن محزون نمی‌شد، کاسه سر کافران را از آهن قرار می‌دادیم تا هرگز در دسر نبیند». پس ای عمو و پسر عمو و عموزاده‌ها و برادرانم، بر شما باد به صبر و رضا و تسلیم و به شما توصیه می‌کنم که امر مشکلات را به خداوند عزوجل واگذار نمایید و از قضا و قدر او راضی و خرسند شوید و صبر و بردباری پیشه کنید و به دستورهایی که به هنگام مصیبت و بلا داده است، تمسک جوید و امر او را اطاعت کنید.^۳

اعتقاد به معاد و پاداش‌هایی که خداوند در عوض مشکلات مؤمنان آماده نموده است، طاقت آدمی در رویارویی با مشکلات را افزایش می‌دهد و او را بر ادامه زندگی اش قادر می‌سازد.

۲. جهاد و شهادت

یکی دیگر از نمونه‌های سختی در زندگی مؤمنان، میدان جبهه و جنگ است. مؤمنان معادباور با تکیه به این اصل اساسی، روحیه خود را زنده نگه می‌دارند و این تصمیم بسیار سخت را بر خود هموار می‌کنند. این حس جهاد و مبارزه و شهادت‌طلبی در درون یک جامعه است که می‌تواند آن را از گزند دشمنان محفوظ بدارد. کسانی که در مبارزه با هواهای نفسانی ناموفق بوده و در

۱. قلم: ۴۸.

۲. زمر: ۱۰.

۳. زین‌الدین بن علی شهید ثانی؛ مسکن الفؤاد؛ ص ۱۱۶.

چنگال آرزوهای مادی گرفتار باشند، صدها بهانه برای نرفتن به جبهه و جنگ دارند؛ ولی معادباوران با ضمیری امیدوار به وعده‌های الهی در دفاع از دین و وطن خود، سر از پا نمی‌شناسند. امیرمؤمنان علیه السلام هنگامی که خبر تهاجم سربازان معاویه به شهر انبار و سستی مردم در رفتن به جهاد را دید، طی خطبه‌ای بهانه‌جویی‌های پی‌درپی آنان را یادآور شد و فرمود:

وقتی در تابستان فرمان حرکت به سوی دشمن می‌دهم، می‌گویید هوا گرم است؛ مهلت ده تا سوز گرما بگذرد و آنگاه که در زمستان فرمان جنگ می‌دهم، می‌گویید هوا خیلی سرد است؛ بگذار سرما برود. همه این بهانه‌ها برای فرار از سرما و گرما بود؟ وقتی شما از گرما و سرما فرار می‌کنید، به خدا سوگند که از شمشیر بیشتر گریزانید.^۱

در حادثه کربلا نیز آنچه توانست گروه اندک یاران حسینی را در برابر سپاه ده‌ها برابری سپاه یزید سر زنده نگاه دارد، معادباوری آنان بود؛ چنان‌که حنظله پرسید: «آیا من به سوی آخرت نشتابم و به برادرانم ملحق نشوم؟». امام حسین علیه السلام فرمود: «بَلَىٰ رُحٌ إِلَيَّ مَا هُوَ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَ إِلَيَّ مُلْكٌ لَا يَبْتَلِي»^۲؛ بشتاب به عالمی بهتر از دنیا و آنچه در آن است و به سوی سلطنتی که هرگز کهنه نمی‌شود.^۳

همچنین وقتی امام علیه السلام یاران خود را در اوج جنگ و سختی‌های جهاد مشاهده نمود، از این روش استفاده کرد و بر آرامش آنان افزود:

پایداری کنید ای گرامی‌زادگان؛ مرگ چیزی نیست، جز پلی که شما را از سختی و آسیب می‌گذراند و به بهشت عظیم و نعمت‌های جاودان می‌رساند. کدام‌یک از شما دوست ندارد که از زندانی به قصر منتقل گردد؛ در حالی که آن برای دشمنان تان، همانند پلی است که آنها را از کاخ به زندان و شکنجه‌گاه می‌رساند. پدرم از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایم نقل کرد: دنیا، زندان مؤمن و بهشت، کافر است و مرگ، پل مؤمنان به بهشت ایشان، و پل کافران به آتش سوزان دوزخ می‌باشد. نه این را به من دروغ گفته‌اند و نه من دروغ می‌گویم.^۳

مطالعه زندگی شهیدان عزیز هشت سال دفاع مقدس نیز گویای پیوند معاد و امید است. چه بسیارند شهیدانی با سن و سال اندک که به برکت باورداشت معاد و رستاخیز، نور امید از تصاویر و وصیت‌نامه‌هایشان مشهود است. معادباوری ترس از شکست، کشته شدن و سختی‌های جهاد را بر مؤمن هموار می‌کند.

۱. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ خطبه ۲۷.

۲. علی بن موسی ابن طاووس؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ص ۱۱۰.

۳. محمد بن علی صدوق؛ معانی الأخبار؛ ص ۲۸۸.

د. شفاعت

چهارمین اثر باورداشت معاد در افزایش امید، «شفاعت در قیامت» است. یکی از نگرانی‌های مهم مؤمنان، نگرانی از رفتارهای دنیوی آنان و گناهمانی است که در دنیا مرتکب شده‌اند. این نگرانی و ترس را که باید از ترس‌های مقدس نامید، از تعالیم دین بوده و مقداری از آن نیز لازم است و اولیای دین کوشیدند تا پیروانشان را در حالتی میان ترس و امید نگه دارند. در برخی مواقع، این ترس به مرحله شدیدی می‌رسد و ممکن است موجب افسردگی و یا توحش و بی‌بندوباری شود. آنچه می‌تواند از این سقوط بزرگ پیشگیری کند، اعتقاد به شفاعت شافعان در قیامت است.

شاید این پرسش مطرح شود که اعتقاد به شفاعت، سبب امید کاذب و در نتیجه، تکرار گناه نمی‌شود؟ در پاسخ باید گفت اگر به معنای صحیح شفاعت و شرط‌های آن توجه شود، نه تنها عامل تکرار جرم نمی‌باشد؛ بلکه می‌توان آن را از عوامل کاستن گناهان برشمرد؛ زیرا مؤمنان برای بهره‌مندی از شفاعت باید شرایط آن را فراهم کنند و از موانع آن مانند ظلم به هموعان دوری نمایند. اعتقاد به شفاعت، پنجره‌ای به سوی روشنایی و امید را به روی مؤمن به معاد می‌گشاید و او را به کنترل خود و حتی جبران گذشته‌اش تشویق می‌کند.

بشر بن شریح بصری می‌گوید:

به امام باقر علیه السلام عرض کردم: کدام آیه در کتاب خدا امیدوارکننده‌تر است؟ حضرت فرمود: «دیگران در این باره چه می‌گویند؟». عرض کردم: این آیه را تلاوت می‌کنند: «يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ؛^۱ ای بندگان من که بر خویش ستم کردید، از رحمت خدا ناامید نشوید». حضرت فرمود: «اما نظر ما اهل بیت این نیست». عرض کردم: پس نظر شما چیست؟ فرمود: «به نظر ما، امیدبخش‌ترین آیه قرآن این است: "وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ؛^۲ و به زودی پروردگارت چیزی به تو عطا می‌کند که خوشنود شوی". آن چیز، شفاعت است. به خدا قسم شفاعت است، به خدا قسم شفاعت است»^۳.

۱. زمر: ۵۳.

۲. ضحی: ۵.

۳. فرات بن ابراهیم کوفی؛ تفسیر فرات الکوفی؛ ص ۵۷۱.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن طاووس، علی بن موسی؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ تصحیح احمد فهری زنجانی؛ چاپ اول، تهران: جهان، ۱۳۴۸ ش.
۲. ابن نما حلی، جعفر بن محمد؛ مثير الاحزان؛ چاپ سوم، قم: مدرسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۳. تمیمی آمدی؛ عبادواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ تصحیح سید مهدی رجایی؛ چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴. حسکانی، عبیدالله بن عبدالله؛ شواهد التنزیل؛ تصحیح محمدباقر محمودی؛ چاپ اول، تهران: التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة، ۱۴۱۱ ق.
۵. دیلمی، حسن بن محمد؛ اعلام الدین فی صفات المؤمنین؛ چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۶. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة و الأولاد؛ چاپ اول، قم: بصیرتی، [بی تا].
۸. صدوق، محمد بن علی؛ معانی الاخبار؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ق.
۹. کوفی، فرات بن ابراهیم؛ تفسیر فرات الکوفی؛ تحقیق محمد کاظم؛ چاپ اول، تهران: وزارت الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ پیام قرآن؛ چاپ نهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۱۱. میبدی، حسین بن معین الدین؛ دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام؛ تصحیح مصطفی زمانی؛ چاپ اول، قم: دار نداء الإسلام للنشر، ۱۴۱۱ ق.

سایتها

سایت گنجور. مثنوی معنوی و غزلیات جلال الدین محمد بلخی روحی.